

داوری فیاض لاهیجی میان میرداماد و ملاصدرا در مسأله

اصالت وجود

حمید عطایی نظری^۱

چکیده

یکی از بحث برانگیزترین مباحث در فلسفه متأخر اسلامی مسأله اصالت وجود یا اصالت ماهیت است. این مسأله بویژه پس از ملاصدرا (م ۱۰۵۰ ق) تبدیل به مسأله اصلی و محوری فلسفه اسلامی گردید. صدرالمتألهین نظریه اصالت وجود را مطرح کرد و آن را در کانون و هسته مرکزی حکمت متعالیه قرار داد. این در حالی بود که استاد وی میرداماد (م ۱۰۴۰ ق) ماهیت را اصیل می دانست و به شدت منکر اصالت وجود بود. در این بین، ملا عبدالرزاق لاهیجی معروف به فیاض لاهیجی (م ۱۰۷۲ ق) که از برجسته ترین حکیمان و متکلمان متأخر شیعه به شمار می آید در یکی از آثار مهم خود به نام *الکلمه الطیبه* نخست به طرح آراء استاد خودش ملاصدرا و همچنین نظریه میرداماد در این مسأله پرداخته است و سپس به داوری میان آن دو نشسته و تلاش نموده که به نوعی این نزاع را خاتمه بخشد. نکاتی که لاهیجی در این رساله مطرح کرده و همچنین دیدگاه خود وی در این مسأله با توجه منزلت علمی او و نیز ارتباط نزدیکی که وی با میرداماد و ملاصدرا داشته است بسیار حائز اهمیت است. در مقاله حاضر درصددیم با توجه به این اثر لاهیجی و همچنین دیگر نگاشته های وی نظیر *شوارق الالهام* و *گوهر مراد* دیدگاه او و همچنین داوری وی میان صدرا و میرداماد را در خصوص این مسأله تشریح نماییم.

واژگان کلیدی: اصالت وجود، اصالت ماهیت، *الکلمه الطیبه*، میرداماد، ملاصدرا، فیاض لاهیجی